بسمه‌تعالی

نام مصاحبه شونده : سمت فعلی:

رشته و تخصص: سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش/آموزش عالی:

تاریخ مصاحبه: محل مصاحبه:

به نظر شما یک مدیر می‌تواند طراح فضای یادگیری به عنوان طراح باشد یا خیر؟

حتماً شاید یکی از مهم‌ترین نقش‌های مدیر همین باشد توی قسمت... ببینید ما در فرایندهای مختلف باید شرکت کنیم به عنوان مدیر یک سری فعالیت‌ها دارد فعالیت‌های عمرانی یک سری فعالیت‌ها دارد آموزشی است یک سری پرورشی است یک سری فعالیت‌ها مالی است طراحی را شاید بتوان در قسمت عمرانی آورد یکی از فعالیت‌های مهم است من اتفاقاً خودم از کسانی هستم که اول وارد هر مدرسه‌ای که می‌شوم اول محیط مدرسه را درست می‌کنم یعنی از مهم‌ترین کارهایی که اول هرجا انجام می‌دهم همین است من تا الان چند مدرسه عوض کردم در آن مدارس دیدم سالن مطالعه لازم دارن بچه‌ها سریع احداث کردیم سالن مطالعه ساختیم سالن اجتماعات لازم دارند سریع سالن اجتماعات ساختیم دنبال فضا گشتیم دنبال جا گشتیم دنبال امکانات گشتیم و اول آنجا را تجهیز کردیم حتی فضای ظاهری مدرسه اینقدر برای من خودم به عنوان یک مدیر که شاید بتوان گفت ۳۰ سال سابقه کار دارم فکر می کنم یکی از مهمترین شاخصه‌های مدیر خوب این است که اول فضای آموزشی یک فضای آموزشی دلنواز و زیبا شادی باشد چون این خیلی مهم است در جذب دانش آموزمون و همان در فرایند یادگیری و الان یک نفر که وارد مدرسه می‌شود یک حس خوبی پیدا می‌کند از اینکه در این مدرسه است یک احساس تعلق پیدا می‌کند به این مدرسه. همه محیط‌ها، نه اینکه الان من بگویم اتاق مدیر خوب باشد اتاق معاون... آنها هم خیلی مهم است که خوب باشد همه فضا ها حتی من به آبدارخانه مدرسه‌ام خیلی اهمیت می‌دهم یعنی اولین جایی که می‌گویم همکارم می‌خواهد یک چای بخورد یک استراحتی بکند یک فضایی باشد که قشنگ باشد مثلاً آبدارخانه ما یک آبدارخانه خوش رنگ و رو و قشنگی هست. دلم می‌خواهد در همان ساعتی که همکارم می‌نشیند آنجا و استراحت می‌کند و یک صبحانه ای می‌خورد زنگ تفریح به دور از دغدغه‌های بچه ها حضور و رفت و آمد آنها یک فضایی باشد که راحت باشد و لذت ببرد خیلی این مهم است حالا برای دانش آموزان مون هم همینطور روی نیمکتشان روی تخته شون روی پرده کلاسشان حتی نور کلاسشان حتی روی همه چیزشون حساسم که حتماً فضای آموزشی که دارم فضای زیبایی باشد و قشنگی باشد حتی برای مثال ما اینجا آمدیم اول که من وارد شدم اینجا که آمدم یک فضایی داشتیم بالای سالن نمازخانه که فقط آهن‌هایش بود بلافاصله اینجا یک سالن مطالعه زدیم برای بچه‌ها که... مثل یک هتل ساختیم اگر بروید ببینید آنقدر قشنگ است همه امکاناتی که بچه‌ها لازم دارند برای مطالعه میز دارند پنجره‌هایش را دوجداره گذاشتیم پرده‌های قشنگ نصب کردیم صندلی‌های راحتی که بچه در روزهای تعطیل اینجا میخواهد بنشیند در اصل قرائت خانه است از صبح تا شب بشیند درس بخواند یک فضای خوبی باشد... برای دختران تمام محرم‌سازی کردیم دستشویی توالت... اتاق غذاخوری اتاق استراحت همه چیز برایشان در نظر گرفتیم که دیگر از آنجا نیاز نباشد بچه باز لباس بپوشد بیرون بیاید مثلاً کاری را انجام بدهد هرچه نیاز دارد همان جا برایش مهیا باشد خیلی به نظر من این موضوع مهم است که ما آسایش و رفاه دانش آموزمون را در نظر داشته باشیم همین که می‌گویند مدرسه خانه دوم دانش آموز است واقعاً این خانه دوم را در شأن دانش آموزمون آن فضای فیزیکی لازم را آنطور که شایسته هست مهیا کردیم

خانم دکتر شما مدرسه‌تان فرزانگان است نمی‌دانم به فرزانگان توجه خاصی می‌شود از طرف آموزش و پرورش؟

از طرف آموزش و پرورش که نه ببینید برای مدارس تیزهوشان پدر و مادرها خودشان یک شهریه پرداخت می‌کنند ما یک مقدار دستمان بازتر است می‌توانیم یک کارهایی بکنیم ولی دانش آموزان مدارس عادی متاسفانه اینطور نیستند

من بعضی مدارس بودم مدیرها خیلی خودشان خلاق بودند سه چهار تا مدیری که من دیدم علم و دانش داشته‌اند در... هم دانشش رو داشتند هم خلاقیت داشتند هم اینکه جالب است که.... \*\* غر هم نمی‌زدند آنجاهایی که صحبت خیلی عمیق میشد و درد دل می‌شود همین یک بحث مالی و بودجه خیلی اذیتشان می‌کرد یک مسئله هم بحث کوچیکی جا بود اگر دستشان باز بود اتاق سالن مطالعه داشتند حالا چون مدرسه ابتدایی بود یک خورده متفاوت‌ هست مدل چیدمانشون..؟

هم اینکه مسئله مالی است و هم اینکه اختیارات لازم را در خیلی مدارس ندارند. شما اختیارات‌تان بیشتر است؟

بله مدارس تیزهوشان این اختیار را داریم اگر بخواهیم ساخت و سازی بکنیم مثلاً مدارس عادی شاید به راحتی نتوانند این کار را انجام بدهند ولی خب اگر خانواده‌ها کمک کنند یعنی بتوانیم مشارکت خانواده‌ها را داشته باشیم همه کار می‌شود انجام داد وقتی خودشان می‌آیند می‌بینند که این کار به نفع بچه‌هاشون است واقعاً با دل و جان انجام می‌دهند.

یکی از مدیران می‌گفت من تا الان یک بار هم به اولیا نگفتم پول بدین ولی برنامه ای اجرا می کنم کار رو می کنم خودشان می آیند کارت می کشند این موارد هم بود ولی پس شما فکر می‌کنید که اولاً مدیر هم دستش باز است و میتواند کار کند هم اینکه باید اصلاً به عنوان طراح حالا

فکر می‌کنید چه مهارت‌هایی نیاز است چون بعضی از مدیران خودشان را در این جایگاه نمی‌بینند؟

ببینید این دقیقاً مثل یک آشپز می‌ماند البته یک مدیر خیلی مهم است... شما یک آشپز را در در نظر بگیرید گاهی وقتا موادی در اختیارش قرار می‌دهی مواد هم خیلی خوبند عالی و درجه یک گوشت خوب برنج خوب همه چیز در اختیارش قرار می‌دهی اما آن هنر آشپزی را ندارد فاتحه هم رو می خونه این هم هست یک وقت می‌بینی نه طرف با کمترین امکانات بهترین آشپزی را انجام می‌دهد وقتی مواد خوب باشد بهتر می‌شود کار را انجام داد ولی با همان مواد کم هم قادر است که کار را انجام بدهد.

خانم دکتر فرمودید که بحث احساس تعلق اینکه فضایی باشد که بچه‌ها آسایش و امنیت داشته باشند و هم اینکه جذب بشوند و احساس تعلق بکنند این‌ها چطور در فرایند یادگیری آنها بچه‌ها تاثیر می گذارد؟

خوب این‌ها ارتباط دارند مثلاً در اینجا سالن مطالعه را در جهت افزایش یادگیری گذاشتیم دیگه مثلاً ساعتیه

دانش آموز توی خونه شاید امکان یادگیریش کمتری دارد مثلاً با عمو عمه خاله زندگی می‌کند یا شرایطی هست که اتاقی ندارد خواهر برادر کوچک‌تری دارد که مزاحمت برای یادگیریش دارد و چون خوب یک قسمت اصلی یادگیری هم در خانه انجام می‌شود علاوه بر فرایندی که در مدرسه هست یه قسمت هم در خانه است دیگه ولی شرایط لازم را در خانه ندارد از ساعت ۲ به بعد تا ۱۰ شب در اینجا سالن را در اختیارش قرار می‌دهیم می‌تواند بیاید اینجا با هزینه کم و با یک امنیتی که خانواده هم کاملا در جریان هستند شاید سالن‌های بیرون این امنیت را نتواند برایشان فراهم کند و بیاید اینجا و مطالعه کند این خیلی کمک می‌کند به فرایند یادگیریش برای روز بعد برای برنامه درسی این یک موضوع ما چند تا کار دیگر هم در مدرسه انجام داده‌ایم مثلاً کافه کتاب اینجا زدیم آلاچیق آموزشی زدیم این‌ها همه چیزهایی هستش که دانش آموز را در یک محیط دلچسب‌تری قرار می‌دهد مثلاً در آلاچیق آموزشی که در حیاط است در تابستان اینجا صندلی می‌گذاریم ایام کرونا که نیاز بود مثلاً یک جایی باشند که فضا باز باشد صندلی دسته‌دار گذاشته بودیم دانش آموزان همانجا کلاسشان برگزار می‌شد خیلی خوب بود برای بچه‌ها ‌ها همه کمک می‌کنند به یادگیری ممکن است به شکل مستقیم نباشند ولی به صورت غیر مستقیم در افزایش یادگیری بچه‌ها موثر است.

مواردی که یک مقدار می‌خواهم دقیق‌تر بشویم این‌ها که نیازهای اولیه هر فرد اینکه امنیت داشته باشه آسایش و آرامش داشته باشه تا اصلاً بتواند وارد فاز و فرایند یادگیری بشود دیگه در طراحی فضا باید به چه معیارهای دیگه دقت بکنیم به جز این خواست ها و نیازهای اولیه؟

ببینید مثلاً کلاس‌های موضوعی خیلی کمک می‌کنند مثلاً که کلاس تاریخ داشته باشیم کلاس جغرافی داشته باشیم این‌ها خیلی خوب هستند آزمایشگاه برای درس فیزیک برای درس شیمی چون کاملاً معلم احاطه دارد به کلاس همه ی وسایل مورد نیازش اونجا موجود هست دانش آموز در فضایی قرار گرفته که در و دیوارش همه نقشه جغرافیا است مثلاً معلم می‌خواهد در مورد جغرافیای ایران صحبت کند... همه چیز اون دور و بر هست مهیا هست می‌تواند از آن استفاده کند دیگه برد و آورد ندارند یا در آزمایشگاه زیست مولاژ بدن انسان هست وقتی می‌خواهد قسمت‌های مختلف بدن انسان را درس بدهد دانش آموز می‌بیند و علاوه بر حس شنوایی حس بینایی و لامسه هم خوب کار می‌کنند حواس مختلف را هم درگیر می‌کند معلم در آنجا. این است که خب یادگیری اینجاها هم افزایش پیدا می‌کند شاید این‌ها را بشود در بحث ابزارهای آموزشی طبقه‌بندی کنیم ولی خب آن فضای آموزشی باید مجهز به آن ابزار هم باشند تا یادگیری برای بچه رو رقم بزنه حالا آن امکانات گرمایشی سرمایشی، نور این‌ها همه عوامل موثری هستند که باز می‌توانند موثر باشند.

من در همین جریان کتاب داشتم می‌خوندم دو تا کتاب بود البته یکی از دوستانم که رشته‌اش معماری است دانشگاه علم و صنعت آنجا به عنوان هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت بود داشتم باهاش گفت و گو می‌کردم بعد متوجه شدم که رشته معماری یک گرایشی دارد طراحی فضاهای آموزشی فرهنگی بعد ایشان یک کتابی را ترجمه کرده بود که تازه هم چاپ شده بود گفتش اگر این کتاب به دردت می‌خورد طراحی محیط‌های دانش آموزمحور بود مثلاً طرحی برای فردا یک همچین اسمی داشت خب آنجا خیلی توضیح دادند که وقتی از شیوه سنتی عبور کردیم و آمدیم به امروز مثلاً از نظریات یادگیری منسوخ شده یا اینکه حداقل فهمیدیم در همه جا کاربرد ندارند ولی ساختمان‌ها متناسب با آنها تغییر بکنند یک کتاب دیگر باز همین دوستمان به من معرفی کرد که دارم این رو ترجمه می‌کنند نسخه ویرایش نشده‌اش نسخه ای که حالا ترجمه کرده بود ولی ویرایش نشده بودرا در اختیارم گذاشت هنوز موفق نشدم بخوانم به اسم معلم سوم یعنی اصلاً فضا را به عنوان مثلاً یک معلم که خود فضا می‌تواند یاد دهنده باشد برای بچه‌ها که حالا گرفته بود که البته باید کتاب را بخونم تا متوجه بشم منظورش چه بود و اینها ولی کتاب آقای دکتر کامل نیا را داشتم می‌خواندم خیلی\*\*\* این مبحث را خیلی می‌دیدم اونجا بهش ارجاع داده بودند که حالا متاسفانه موفق هم نشدم استاد دانشگاه فردوسی هم هستند رشته‌شون هم معماری است یکی از پایان نامه‌های بچه ها بود خانم اسکندری رشته‌اش مدیریت آموزشی بود بعد استاد مشاورش آقای دکتر کامل نیا بود و.... یکی از استاد راهنما هاش هم که از دانشکده خودشون بود کاملاً خیلی مربوط ، مرتبط بود با موضوع پایان نامه من یک کتاب دارم دستور زبان طراحی محیط‌های یادگیری من تازه این کتاب را تمام کردم فعلاً دارم برای پایان نامه‌ام از آن استفاده می‌کنم یک سری توضیحات اومده بود داده بود در تاریخچه اینکه مدارس چگونه تغییر کردند از وقتی یعنی بعد از انقلاب صنعتی مدارس به شکل کارخانه و اتاق گونه و ردیف‌های پشت هم و اینها به خاطر اینکه می‌خواستند بچه‌ها را برای دنیای صنعتی آماده بکنند بعد دیگه کم کم این اعتراضی می‌شود نسبت به مثلاً فضاهای یادگیری و فضاهای آموزشی اینکه کاملاً تحت سلطه هستند همزمان دیدگاه های انسان گرایانه و اینها هم که میاد خب دیگه می‌آیند یک سری تحقیقات و اینها انجام می‌دهند و این قسمتش خیلی تحقیق انجام شده بود برام جالب بود که و در نهایت هم فضا را به عنوان معلم دوم ازش یاد کرده بود... بعد از آنجا وارد می‌شوند که اصلا معماری ها را تغییر می‌دهند یک مقدار دوست دارم از این جنس گفتگو کنیم

ببینید فضا که خیلی موثر است الان ببینید دارد به سمتی می‌رود استفاده از واقعیت مجازی، متاورس. عینک هایی گذاشته می شود که دانش آموز خودش را کاملاً در محیط می‌بیند مثلاً الان داریم در مورد الان تخت جمشید صحبت می‌کنیم دانش آموز مثلاً این را گذاشته تمام قسمت‌ها را می‌بیند این خیلی خوب است این \* دانش آموز در همان فضا قرار می‌گیرد اگر به همان سمت بخواهیم پیش برویم که خب خیلی عالیه نمی‌دونم چه زمانی طول بکشه که حالا این اتفاق بی‌افتد مثلاً وقتی تو داری در مورد بدن انسان صحبت می‌کنی کاملاً می رود داخل بدن انسان انگار تمام قسمت‌های بدن را با چشم می‌بیند انگار اصلا حضور دارد آنجا خوب یادگیری خیلی عمیق‌تر خواهد بود اینجوری اصلاً معلم هم نیاز نداشته باشیم به قول شما یه جاهایی اصلاً احتیاج به معلم هم نداریم این کمبود معلم مون مخصوصاً خیلی جبران می‌شود چون ما هر ساله واقعاً مشکل نیروی انسانی را داریم مشکل داریم که اکثر مدیرهایمان دارند بازنشست می‌شوند دبیرانمان دارند بازنشست می‌شوند و هنوز قشر آماده‌ای برای حضور در رده های معلمی نداریم این‌ها می‌توانند جایگزین‌های خوبی باشند

بعضی مدارس که می رفتم حالا شما واقعا فکرتون خیلی باز هست قطعاً به خاطر همین انتخاب شدید ولی مدارسی که می‌رفتم مثلاً مدیر البته تو 30 سال نه مثلاً بالای 3۵ سال 3۶ سال مونده بود بعد خب این‌ها به خاطر کمبود نیروی آموزش و پرورش بود که حالا تک و توک مدیران بازنشسته شده بودند و جایگزین شده بودند و بعد مثلا مدرسه گفته بود که گفتم که دیگه نمی تونم و می خواهم استعفا بدهم و بروم و هنوز کسی را جایگزین من نکردند و خب واقعاً هیچ ایده‌ای نداشت هم این مدیر و خب مشخص بود خودشون هم خیلی مدیر ها از کمبود نیرو و کمبود معلم واقعاً این مشکل آموزش و پرورش هست شاید به قول شما رفتن در فضای متاورس مشکل را حل بکند به هر حال این قدم‌های اولیه برای که به آنجا برسیم شاید پرورش مدیران باشه فکر می‌کنید که چه مهارت‌هایی لازم است چه از جنس مهارتی و چه از جنس نگرشی یاد می شود اگر بخواهیم مدیرانمان را به عنوان طراح پرورش بدهیم و هم خودشان را طراح بدونند و هم بخواهند.. \*\*

اگر مسئله تفویض اختیار به مدیران جدی گرفته بشود و اینکه به سمت مدرسه محوری واقعاً پیش برویم این مسئله فکر می‌کنم رشدش خوبه متاسفانه متاسفانه الان هر ساله هی شعار مدرسه محوری رو می‌دهیم ولی هی داریم دست و پای مدیر را می‌بندیم هی بخشنامه می‌فرستیم من خودم از کسانی هستم که واقعا منتقد این موضوع هستم هی دست و پای مدیر را می‌بندیم هی همه جا دخالت می‌کنیم اگر کار را به مدیر واگذار کنیم و فقط ما نتیجه را ازش بخواهیم بگیم بابا ما آخر کار ما یک همچین نتیجه‌ای از تو می‌خواهیم حالا انتخاب ابزارت انتخاب دبیرت انتخاب محیط کارت همه چیز با خودت این سیستم مال تو هرجور که می‌خواهی... مثل اینکه شما یک خانه را به یک خانمی واگذار می‌کنی می‌گویی چیدمان آن با خودت برنامه‌ریزیش با خودت می‌بینی که چقدر خوب اداره می‌کند آن خانه را مدرسه هم همینطور است وقتی که همه چیز را به خود مدیر بسپارند مطمئناً نقشی که ایفا می‌کند خیلی متفاوت خواهد بود با آن نقشی که به حالت دستوری بخواهد کاری را انجام بدهد یا دستورات نوشته شده و بخشنامه شده از بالا را بخواهد اجرا کند... حتماً ما به پیشرفت بیشتری دست پیدا می کنیم

منظور بحث ساختاری است؟این سوال واسه خود من خیلی جدی است و بعد تو بحث راهکار هاش واردش می شویم چرا این اعتماد رو نمی کنند؟

اصلا مسئولین ما یک جوری هستند که همه احساس می‌کنند خودشان بیشتر از بقیه می‌فهمند به بقیه اعتماد ندارند به بقیه اطمینان ندارند فکرهای خلاق و جوان را خیلی نمی‌پسندند نمی‌پذیرند این خیلی بد است یک فرهنگ بدی هم بین ماها هست که همیشه منتقد هستیم نسبت به کسی که یکمی از ما اطلاعات بیشتر دارد... می‌کوبیمش متاسفانه اون طرف رو به جای اینکه تشویقش کنیم و پروبال بدهیم و استعداد را شکوفا کنیم متاسفانه این بدخواهی ها هست و یک جاهایی...

راهکارش چیست؟من با آقای دکتر شکوهی داشتم صحبت می‌کردم گفتم که خب یک وقتایی مثلاً این مدت که رفتم مدارس را دیدم یک جاهایی بعضی از مدیران که آشنا می شدم خیلی احساس امید و... مخصوصاً جوان‌ترها ولی خب یه جاهایی هم می‌دیدم که چطور دستشان بسته هست بحث تفویض اختیار را که مطرح می‌کنید آدم احساس ناامیدی می‌کند چون من با هر یک از اساتید که صحبت کردم گفتند که راهکار مشخص است خانم دکتر مسکرزاده صحبت کردم با خانم دکتر عبدالحسینی نمیدونم میشناسید یا نه با ایشان صحبت کردم که ایشان بازرس مدارس در تهران هم هستند با ایشان صحبت کردم با آقای دکتر شکوهی خانم دکتر شالاری یک بحث هست در بحث ساختار...

آره همه چیز پیش بینی شده است اما اجرا نمی‌شود.

چرا اجرا نمی‌شود؟

الان آن چیزی که ما در سند تحولمان آمده است ما می‌گوییم تربیت دانش آموز تمام ساحتی خب تربیت دانش آموز تمام ساحتی به این راحتی امکان‌پذیر نیستش و اینکه من بتوانم دانش آموز تمام ساحتی داشته باشم باید مدیرم تمام ساحتی باید معلمم تمام ساحتی باشد باید مسئول مرتبطم تمام ساحتی باشد وقتی که متاسفانه مسئولین ما خودشان اهل ورزش نیستند وقتی که خودشان اهل تفکر نیستند خودشان سیاسی نیستند خودشان حالا اجتماعی نیستند بعد این‌ها چگونه می‌توانند ادعای این را داشته باشند که در پایان می‌خواهند دانش آموز تمام ساحتی را تحویل بدهند عالم بی عمل

شاید یک تغییر انقلابی در مسئولین..؟

بله، اینطوری هست دیگر ما با توجه به آن دانش آموزی که می‌خواهیم در ارتباط باشیم باید تغییر ایجاد کنیم در خودمان ما وقتی یک وسیله ای می‌خریم یک ماشین لباسشویی می‌خریم یک وسیله الکترونیکی یک چیز جدیدی می‌خریم وقتی جدید به دستمان رسید روش‌های قدیمی کاربردی ندارد می‌رویم دفترچه راهنمایش را می‌خوانیم با توجه به آن دفترچه راهنما وسیله جدید را راه می‌اندازیم حالا انسان است ما می‌خواهیم با انسان جدیدی روبرو شویم که این خیلی متفاوت است از انسان‌های قبلی است خوب باید دفترچه راهنمای این هم مطالعه بشود این مشخصاتش این است این نسل z است این نسل y است این نسل فلان هست این اینجوری هست باید مطابق با این دفترچه رفتار کرد با این خصوصیات رفتار کرد پس لازم است اول من خودم را آپدیت کنم تغییراتی در خودم بدهم و بعد این تغییرات را از مسئولین پایین‌تر از خودم هم بخواهم و اینکه حالا شما بروید این تغییرات را ایجاد کنید با توجه به این نیازی که هست در پایان آن چیزی که مطلوب همه ما است به دست بیاید

وقتی که این تغییرات را در خودم بدهم می‌فهمم و راحت‌تر می‌توانم بفهمم که مشکل چیست،

برای مثال در حوزه مالی وقتی که مسئول مالی من می‌آید با من صحبت می‌کند اگر من از مسائل مالی هیچ اطلاعی نداشته باشم واقعا نمی‌توانم به او کمکی کنم برای مثال معاونم وقتی می‌آید می‌گوید خانم طوسی من نتونستم این رو تغییر بدهم نمی‌توانم این فاکتور را.... خوب من راهکار به او می‌دهم این را اینجوری کن.... تا درست بشود بعد می‌گوید خدا خیرتان بدهد چقدر خوب است که شما از مسائل مالی مطلع هستید 999یا مثلاً مسئول فنی آوری من در برنامه کرونا اینها که ما اینقدر مشکل داشتیم یکسره مسائل کلاس‌های آنلاین طبقات مختلف بود خب این یک نفر بود نمیتواست به کل ساختمان برسد نمی‌توانست دیگه گاهی وقت‌ها من هم به کمک او می‌رفتم می‌رفتم به اتاق‌های مختلف سر می‌زدم اگر همکاری مشکلی داشت کمکش می‌کردم راهش می انداختم می‌گفت چقدر خوب است که شما از فناوری مطلع هستید می‌توانی در این قسمت به من کمک کنی خب ببین این کمک میکند ببین معاون آموزشی مثلاً برنامه درسی می ریزد وقتی به مشکل می‌خورد من دیگر واقعا فکری به ذهنم نمی‌رسد من مثلا یک نگاهی میکنم مثلا اینجا میتونم بهش کمک کنم این کار را بکنید بهتر است وقتی آدم مطلع هست وقتی این کار را خودش قبلاً انجام داده است خیلی راهنمای بهتری هست برای بقیه ولی نه ما متاسفانه خودمان هیچی را ... اتفاقا این را که می‌گویند رطب خورده کی منع رطب کند واقعا همین موضوع است مثلا کسی که خودش یک کاری را نکرده است نمی‌تواند انتظار داشته باشد بقیه آن کار را مرتب و منظم انجام دهند این است که به مشکل می‌خورد حتماً

خانم دکتر پس آخرین صحبت شما این بود که در بحث دانشی و انگیزشی باید ابتدا تغییر دانش نگرشی و مهارتی اول باید در مسئولین رخ بدهد بعد بیاییم و به طور اتوماتیک در سیستم هم جاری بشود

من واقعا به این اعتقاد دارم اگر مدیری بخواهد کاری را در مدرسه انجام بدهد خودش اگر به این رسیده باشد که این کار لازم و خوب است حتماً آن کار را اجرا می‌کند ولی اگر یک چیزی دیکته شده باشد و خودش اعتقادی نداشته باشد به این موضوع مطمئن باشید که آن کار به ثمر نمی‌رسد در اون مدرسه و نتیجه‌ای نمی‌دهد مثلاً در بحث المپیاد ما چند سالی بود که در مدرسه هیچ المپیادی نداشتیم من که وارد این مدرسه شدم گفتم من تصمیم گرفتم المپیاد این مدرسه را قوی کنم دانش آموزان المپیادیمان را سال اول ۳۷ نفر قبولی در مرحله اول المپیاد داشتیم سال دوم شد ۷۵ نفر دوتا مدال طلا داشتیم دوتا نقره داشتیم در موحله ی آخری خوب این‌ها چیزی است چون خود من می‌خواستم و معاونم هم توجیه کردم که امسال می‌خواهیم متمرکز شویم روی المپیاد می‌خواهیم این کار حتماً اتفاق بیفتد توانستیم خانواده‌ها را همراه کنیم توانستیم دانش آموز را همراه کنیم و آن کاری که می‌خواستیم به نتیجه برسانیم این هست که وقتی مدیر بخواهد کاری را انجام بدهد مسلماً انجام می‌دهد ولی وقتی دیکته شده باشد نه، بارها ما گفته‌ایم وقتی سند تحول خیلی خوب نوشته شده خیلی قشنگ هست حرفاش خیلی قشنگ نوشته شده ولی خیلی آرمانی است همه ما خیلی دوست داریم این‌ها اتفاق بیفتند ولی اینکه من بشینم بگویم دوست دارم بچه‌ام اینطوری تربیت بشود همه چیز داشته باشد اخلاقش اینطوری باشد نمی‌شود من خودم وقتی

می‌روم سر کلاس با بچه‌ها صحبت می‌کنم می‌گویم بچه‌ها ورزش بکنید حتماً اگر خودم اهل ورزش نباشم میگم خب بچه ها مثلا خودم اینجوری دارم ورزش میکنم سوارکاری میرم دو روز در هفته میرم شما بچه ها بروید ورزش برای روحیتون خوبه چقدر تاثیر دارد در یادگیریتان خب اون بچه وقتی میبیند مدیرش ورزش میکند خیلی فرق میکند با اینکه مثلا من.. خانمی باشم که چاق و چله و بعد به بچه ها بگم که بیایید بریم ورزش اصلا تاثیر ندارد حرفم موثر نیست باید یک چیزهایی را از خودمان شروع کنیم

خیلی ضرب المثل است که کل اگر طبیعی بودی سر خود دوا نمودی

واقعا همینطور است من الان خانواده خودم خیلی اهل ورزش هستیم شوهرم اهل ورزش است بچه‌ها سعی کردم اهل ورزش باشند خودم ورزش می‌کنم حالا من اگر صد بار به دانش آموزم بگویم حتماً دو بارش تاثیر می‌گذارد سه بارش تاثیر می‌گذارد ولی حالا کسی که نباشد هر صد باری که بگوید به نتیجه نمی‌رسد

**دست شما درد نکند**

انشالله که مفید بوده باشد برایتان

ما چون عملی برخورد می‌کنیم در مدارس از این لحاظ شاید کاربردی‌تر باشد دیدگاه‌هایی که خیلی فلسفی باشد و به درد نوشتن بخورد شاید به دردتان نخورد ولی ما کاربردی که در مدارس داره صحبت میکنیم

آره دیگه متاسفانه این مدتی که در ایام دانشگاه و اینها ما الان متاسفانه دو سالمون کاملا مجازی بود ما دانشگاه نرفتیک و همیشه اساتید به ما می‌گفتند ما اگر حضوری بود این کار را می‌کردیم آن کار را می‌کردیم ولی چند جلسه با اساتید نویسنده سند تحول داشتیم و قشنگ من خودم به این رسیده بودم که چرا این‌ها از محیط جامعه جدا هستند آنچه که در جامعه اتفاق می‌افتد را خیلی جدا هستند در دنیای فسلفی خودشان دارند زندگی می‌کنند یا اینکه بعضی جاها احساس می‌کردم که انگار مثلا یک تحقیق یا پژوهشی خوانده باشند که خارج از کشور انجام شده باشد ولی کاربردی نیست آدمی که در اجرا است را ندیده‌اند که چه مسائل و مشکلاتی دارد من حالا نمیدونم به کدوم یکی از اساتید بود گفتم که یک زمانی هی آمدند گفتند و شعار دادند گفتند مسجد مسجد باید امور فرهنگی محله باشد مساجد باید کانون تربیتی محله باشد بابا ما نتونستیم الان بعد از این همه سال مساجد فقط موقع نمازها باز هستند اگر نماز کسی بخواهد قضا بشود هیچ جا را پیدا نمی‌کنی که نماز بخوانیم مساجد درشان بسته است وقت اذان درش باز است اینجاها را نتوانستیم بعد شما می‌خواهید مدارس را بکنید کانون تربیتی معلوم است که اینجا هم نمی‌توانید

الان امسال با این جریانات اغتشاشاتی که پیش آمده است خیلی مدارس تحت فشار بوده‌اند یعنی ما از آموزشمان مانده بودیم فقط می‌خواستیم بچه‌ها در مدارس امنیتشان حفظ شود این‌ها آسایش روحی روانی داشته باشند باز اینجا دچار ترس نشوند دچار اضطراب نشوند خانواده می‌گفتند اگر پلیس بیاید در مدرسه ما اصلاً بچه را نمی‌گذاریم بیاید اگر اتفاقی بیفتد ما نمی‌گذاریم ما همه دنبال آن بودیم که این آرامش برقرار بشود تا خانواده‌ها اطمینان کند دانش آموزش در مدرسه باشد بعد ما به کار آموزشی و تربیتی واقعا نمی‌رسیدیم بعد حالا شما انتظار داشته باش در این شرایط مثلا دانش آموز رو تمام ساحتی تربیت کرد

گفت وگوی دوستانه

چند تا از نکاتی که گفتید در هیچ کدام از مصاحبه ها بهش اشاره نشده بود چون شما یکی از افرادی بودید که از دو طرف در ارتباط بوده‌اید ....

خیلی مسائل و مشکلات هست که مدیران دارند با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند

گفت وگو ی دوستانه و هدیه و چای و..